



اجلاس در پارلمان اروپا

۲۸ خرداد ۱۴۰۴

مریم رجوی: مساله اصلی ایران چیست؟

نمایندگان محترم، دوستان گرامی!

از دیدار با شما منتخبان مردم اروپا که در کنار مردم و مقاومت ایران برای آزادی و دموکراسی ایستاده‌اید، خوشوقتم.

از ۳۰ آبان سال ۱۴۰۳، که من در پارلمان اروپا در مورد میهنم ایران با شما صحبت کردم، ۷ ماه گذشته است. ترجیح می‌دهم بحث امروز را با فرموله کردن آن چه آن روز می‌گفتیم شروع کنم:

۱- بحران سرنگونی سراپای دیکتاتوری دینی را فراگرفته حالا این را همه به چشم می‌بینند. به خصوص چشم‌هایی که سوریه و آخر کار بشار اسد را در سال گذشته دیدند. کسی انتظارش را نداشت، اما واقعی بود و واقع شد.

جنگی که از بامداد جمعه ۲۳ خرداد شروع شده، آغاز یک مرحله خطیر در وضعیت ایران و تحولات منطقه است. اما باید تأکید کنم که جنگ اصلی که از ۴۴ سال پیش، دقیقاً از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، در جریان است جنگ مردم و مقاومت ایران با حاکمیت فاشیسم دینی است و راه حل آن هم سرنگونی این رژیم به‌دست مردم و مقاومت ایران است.

من ۲۱ سال پیش در همین پارلمان گفتم راه حل ایران نه در مماشات و نه جنگ، بلکه راه حل سوم یعنی تغییر رژیم از طریق مردم و مقاومت سازمان‌یافته است و گفتم: «سیاست سازش و مماشات، رژیم آخوندی را در ادامه سیاست‌های تشویق و بالمال جنگ را به کشورهای غربی تحمیل می‌کند». «بیایید نگذاریم که تجربه مونیخ با آخوندهای مسلح به بمب اتمی، تکرار شود» و حالا می‌بینیم که مماشات با رژیم، جنگ را تحمیل کرده است. امروز هم تأکید می‌کنم که لازمه صلح و امنیت پایدار در این منطقه از جهان تغییر رژیم ایران به‌دست مردم و مقاومت ایران است.

۲- مقاومت ما از ابتدا گفت افعی کبوتر نمی‌زاید و دیکتاتوری دینی اصلاح‌پذیر نیست. به‌دنبال صدور تروریسم و بنیادگرایی و تسلیحات اتمی است و از غنی‌سازی دست برنمی‌دارد. این هم به اثبات رسید.

۳- گفتیم که مذاکره و مباحثات با این رژیم، به‌جایی نمی‌رسد و تنها وقت‌کشی و فرصت دادن به رژیم است. این هم واقعی بود و به اثبات رسید.

۴- این مقاومت ما بود که نخستین بار در مرداد ۱۳۸۱، از تأسیسات پنهان اتمی رژیم آخوندی پرده برداشت. رئیس‌جمهور وقت آمریکا، معاون رئیس‌جمهور، وزیر خارجه و مشاور امنیت ملی آن کشور، بارها به این حقیقت اشاره کردند که جهان از پروژه بمب‌سازی رژیم بی‌خبر بود و این مقاومت ایران بود که دنیا را بیدار کرد. در غیر این صورت، رژیم بمب‌ها را مخفیانه ساخته بود. در آن روز صورت مسأله این بود که چه باید کرد؟

من از همان زمان، بر راه حل سوم تأکید می‌کردم. به این معنا که نه مباحثات و نه جنگ، بلکه تغییر رژیم از طریق مردم و مقاومت سازمان‌یافته و مشروع و عادلانه آن‌ها. همان مقاومتی که متأسفانه به‌جای این رژیم و سپاه پاسدارانش، توسط آمریکا و اروپا لیست‌گذاری شده بود و این طنز تلخ تاریخ بود. تا این که ابتدا اتحادیه اروپا در سال ۱۳۸۷ و سپس آمریکا در سال ۱۳۹۱، لیست‌گذاری شورای ملی مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران و ارتش آزادیبخش ملی ایران را لغو و باطل اعلام کردند. منظورم از این یادآوری تأکید بر حقانیت و اصالت راه حل سوم است. ما گفتیم نه پول می‌خواهیم و نه سلاح، بلکه فقط می‌خواستیم و می‌خواهیم مانند شما اروپایی‌ها، در مقابل فاشیسم از نوع دینی آن مقاومت کنیم و این مقاومت به رسمیت شناخته شود. فقط همین. ولی این حق تا امروز از ملت ما و مقاومت ما دریغ شده است.

البته شما در این پارلمان و همکارانتان یعنی چهارهزار پارلمانیتر در دو سوی آتلانتیک و شخصیت‌های سیاسی و علمی همفکران، بارها بر آن پای فشرده‌اید.

۵- نتیجه این که راه حل این جنگ و بحران، سرنگونی و تغییر این رژیم به‌وسیله مردم و مقاومت ایران است. بله، آلترناتیوی با برنامه مشخص و با سابقه طولانی در یک نبرد بی‌وقفه با دیکتاتوری دینی وجود دارد، یعنی شورای مقاومت ایران که امسال ۴۴ ساله می‌شود.

آلترناتیو را نمی‌توان مانند ۱۰۰ سال پیش با منصوب کردن یک شاه توسط انگلستان بر سر کار آورد. یا مانند سال ۱۳۳۲، با کودتا توسط آمریکا علیه دولت ملی دکتر مصدق با سرکوب و شکنجه اعدام و تحمیل کرد.

اگر یک دولت ملی و دموکراتیک بر سر کار بود، تاریخ ایران و وضعیت این قسمت از جهان متفاوت بود و

خمینی و آخوندها به قدرت نمی‌رسیدند. اما مردم ایران و فرزندان آزادی‌خواه آن تسلیم نشدند و امروز ما در شصتمین سال مبارزه و مقاومت سازمان مجاهدین خلق ایران در برابر دو دیکتاتوری هستیم؛ دیکتاتوری سلطنتی شاه و دیکتاتوری دینی آخوندها. ما در این مبارزه حتی یک روز توقف و تعطیل نداشتیم. زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها و جوخه‌های اعدام دیکتاتوری‌های شاه و شیخ هم یک‌روز توقف و تعطیل نداشته‌اند، تا روزی که سرنگون شوند. به‌همین خاطر است که ما می‌گوییم نه‌شاه و نه‌شیخ، یعنی مردم ایران پذیرای هیچ‌گونه دیکتاتوری نیستند و آزادی می‌خواهند. بله، یک ایران آزاد. من برای همین این‌جا هستم.

نتایج مماشات با رژیم

حالا اجازه بدهید فقط یک جمله از آنچه که در ۲۵ آذر ۱۳۸۳، در همین جا گفتم یادآوری کنم: «سیاست سازش و مماشات، رژیم آخوندی را در ادامه سیاست‌های تشویق و بالمال جنگ را به کشورهای غربی تحمیل می‌کند». «بیایید نگذاریم که تجربه مونیخ با آخوندهای مسلح به بمب اتمی، تکرار شود». ما بارها به خامنه‌ای گفته بودیم و باز هم تکرار می‌کنیم بفرمایید مذاکره و عقب‌نشینی کنید. بفرمایید با تأسی از خمینی دجال، جام زهر کوتاه آمدن از بمب اتمی و جنگ‌افروزی را سر بکشید. اما می‌دانیم خامنه‌ای تن به این کار نمی‌دهد. زیرا عقب‌نشینی را، کوتاه‌ترین راه سرنگونی می‌داند. او از ترس مرگ خودکشی نمی‌کند. اما مردم بی‌پناه را در جنگ و اضطراب و ناامنی فرو می‌برد تا رژیم لرزان و شکست خورده‌اش را حفظ کند. ولی مردم ایران برای این رژیم دیگر فرصتی باقی نخواهند گذاشت.

مسئله اصلی ایران چیست؟

مسئله روز در ایران و جنگی که برای آن برپا شده، مسئله اتمی است. اما مسئله ایران در تمامیت خود به مراتب فراتر از برنامه اتمی این رژیم است. مسئله ایران در اصل تعارض میان مردم و مقاومت ایران با استبداد دینی است.

سال گذشته گزارشگر سازمان ملل، کشتار و قتل‌عام زندانیان سیاسی در دهه ۱۳۶۰ و ۶۷ را نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت اعلام کرد. حال به بیلان سال گذشته نگاه کنید. از شروع کار پزشک‌کشان در مرداد ۱۴۰۳، تا امروز بیش از ۱۳۵۰ زندانی اعدام شده‌اند. در هیچ کشوری به‌نسبت جمعیت‌اش به اندازه ایران اعدام صورت نمی‌گیرد. با این حال دولت‌ها و رسانه‌های غرب کم‌ترین توجه را به آن نشان می‌دهند. در هیچ کشوری به اندازه ایران اعتراض و مقاومت برای تغییر رژیم نیست. هر روزه کارگران، کارمندان، معلمان، پرستاران و بازنشستگان در شهرهای مختلف کشور دست به اعتراض می‌زنند. در سال گذشته، کانون‌های شورشی ۳ هزار بار به عملیات ضداختناق علیه آخوندها دست زده‌اند.

اما دولت‌ها و رسانه‌های غرب عمداً آن‌چه را روی زمین در جریان است، نادیده می‌گیرند. در صورتی که در همین پارلمان، طی سال گذشته چندین قطعنامه علیه اعدام و نقض حقوق بشر به تصویب رسیده است. در مورد سپاه پاسداران نیز اتحادیه اروپا هم‌چنان از لیست‌گذاری آن خودداری می‌کند. این امتداد سیاست اشتباه سه دهه گذشته است.

قربانی کردن حقوق بشر و مقاومت ایران و شیطان‌سازی عمدی آن، ستیزه‌جویی رژیم و شانتاژ و گروگان‌گیری اتباع غربی را متوقف نکرده است؛ مقاومتی که بیش از ۱۰۰ هزار نفر از اعضا و هواداران‌اش در مبارزه برای آزادی و دموکراسی جان فدا کرده‌اند.

مردم ایران سرنگونی این رژیم را می‌خواهند. ما برای سرنگونی رژیم و برقراری یک جمهوری دموکراتیک، غیر اتمی، با جدایی دین از دولت، برابری زن و مرد، حقوق ملیت‌ها، یک قضایه مستقل و لغو حکم اعدام به پا خاسته‌ایم.

این‌ها در برنامه‌یی که شورای ملی مقاومت از چهاردهه پیش مدون و تصویب کرده، آمده است. ما هم‌چنین خواهان یک نظام کثرت‌گرا هستیم که پیوسته مدافع صلح در خاورمیانه است. این سیمای ایران آزاد فرداست. سرنوشت تابناکی است که با قیام مردم ایران خلق می‌شود.

حقانیت نبرد جوانان آزادی‌خواه و شورشگر

طبق برنامه شورای ملی مقاومت، حداکثر تا شش ماه بعد از سرنگونی این رژیم، مجلس مؤسسان و قانون‌گذاری ملی در یک انتخابات آزاد، با رأی عمومی، مستقیم، مساوی و مخفی مردم ایران تشکیل می‌شود. به محض تشکیل این مجلس، کار شورای ملی مقاومت و دولت موقت برخاسته از آن پایان می‌یابد و مجلس مؤسسان باید به تدوین قانون اساسی جمهوری جدید بپردازد.

هم‌چنان‌که مسعود رجوی رهبر مقاومت گفته است:

نتیجه این نبرد عادلانه از پیش روشن است. نه به “گذشته” بر خواهیم گشت، نه در وضعیت “حال” درجا خواهیم زد، بلکه “آینده” قطعاً محقق خواهد شد. بلکه یک جمهوری آزاد و دموکراتیک.

وقت آن است که پارلمان اروپا از اتحادیه اروپا و کشورهای عضو بخواهد مبارزه مردم ایران برای سرنگونی رژیم را به رسمیت بشناسند.

آن‌ها را فرا می‌خوانیم که به حقانیت نبرد جوانان آزادی‌خواه و شورشگر با رژیم آخوندی و نیروهای سرکوبگر، به‌ویژه سپاه پاسداران اذعان کنند و در کنار مردم و مقاومت برای برقراری یک ایران آزاد قرار بگیرند.